

مقاله پژوهشی

پیش‌بینی روابط فرازنشویی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، رضایت جنسی و سبک‌های دلبستگی

مالک میرهاشمی^۱ زهرا اکبری مقدم^۲

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، پیش‌بینی روابط فرازنشویی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، رضایت جنسی و سبک‌های دلبستگی بود. روش پژوهش بر مبنای مفروضه‌های پژوهش‌های غیرآزمایشی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل زنان و مردان خیانت‌دیده شهر تهران در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۵ بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس ۲۰۰ انتخاب شدند و پرسشنامه‌های خیانت زناشویی مرامی و خادمی (۱۳۹۲)، رضایت جنسی هادسون، هریسون و کروسکاپ (۱۹۸۱)، پرسشنامه ۵ عامل بزرگ شخصیتی و سبک‌های دلبستگی بزرگسال کولینز و رید (۱۹۹۰) را تکمیل کردند. نتایج رگرسیون هم‌زمان نشان داد، بین ویژگی‌های شخصیتی، رضایت جنسی و سبک‌های دلبستگی با روابط فرازنشویی زوجین همبستگی معنادار وجود دارد که از بین متغیرهای مذکور، روان‌رنجورخویی ($p < 0/05$) و باوجدان‌بودن ($p < 0/01$) با متغیر روابط فرازنشویی همبستگی مثبت و معنادار دارند. در عین حال، همبستگی متغیر سبک اضطرابی ($p < 0/01$) با روابط فرازنشویی منفی و معنادار بود. سبک اضطرابی ($p < 0/05$) با متغیر روابط فرازنشویی در زنان همبستگی منفی و معنادار داشت. روابط فرازنشویی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، رضایت جنسی و سبک‌های دلبستگی در مردان قابل پیش‌بینی است که متغیرهای روان‌رنجورخویی ($p < 0/05$) و باوجدان‌بودن ($p < 0/01$)، با متغیر روابط فرازنشویی در مردان همبستگی مثبت و معنادار دارند، در عین حال، همبستگی متغیرهای رضایت جنسی ($p < 0/05$) و سبک اضطرابی ($p < 0/05$) با روابط فرازنشویی در مردان منفی و معنادار است. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد ویژگی‌های شخصیتی، رضایت جنسی و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی روابط فرازنشویی نقش دارند، در نتیجه، توجه به این عوامل می‌تواند برای پیشگیری، فهم علل زیربنایی و درمان روابط فرازنشویی کاربردی داشته باشد.

واژگان کلیدی: ویژگی‌های شخصیتی، رضایت جنسی، سبک‌های دلبستگی، روابط فرازنشویی

مقدمه

خیانت‌زنشویی^۱ از بین بردن پیمان یا مفاد پیمان‌زنشویی است. این نقض کردن می‌تواند عمدی یا غیرعمدی باشد. فرد ممکن است با دانستن و آگاهی از ضروریات حقوقی و عرفی ازدواج یا بدون علم به آن‌ها خیانت کند، اما خیانت می‌تواند مستقیم و با انجام عملی که معنای آن خیانت است، یا به واسطه عملی که در ادامه به خیانت منجر می‌شود، خیانت تلقی شود؛ مثلاً داشتن رابطه جنسی با فردی غیر از همسر بدون اجازه وی یا قانون، اما در معنای وسیع، خیانت شامل هر نوع نقض در پیمان‌های زنشویی است. این پیمان به صورت ضمنی شامل پیمانی برای تشریک‌مساعی در زمینه جنسی، عاطفی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، روانی و حتی فرهنگی است، بنابراین هرگونه کوتاهی عمده یا سهوی در انجام این وظایف می‌تواند خیانت تلقی شود. مثلاً حتی فکرکردن به شخص دیگری جز همسر، صحبت کردن هرروزه با او، پیامک‌زدن مداوم به او یا برقراری رابطه دوستانه مستمر از طریق چت کردن با او هم می‌تواند خیانت به همسر محسوب شود. بنابراین مفهوم خیانت در ازدواج را نباید تنها به داشتن رابطه زنشویی خارج از چارچوب خانواده محدود کرد، اما در معنای کاملاً بسته و خاص، خیانت به معنی نادیده گرفتن پیمان برقراری رابطه زنشویی با یک نفر است، مگر با اجازه زن اول یا قانون (شریف‌خطیبی، ۱۳۹۵). روابط فرازنشویی (خیانت زنشویی)، پدیده‌ای است که اغلب به خاطر برطرف شدن نیازهای عاطفی فرد از طریق روابط خارج از حیطه زنشویی به وقوع می‌پیوندد (جینفریو^۲، ۲۰۰۹). درایگوتاس^۳ خیانت را عبور فرد از مرز رابطه زنشویی با برقراری صمیمیت فیزیکی یا عاطفی با فردی خارج از رابطه تعریف می‌کند. بی‌وفایی و خیانت، نوعی اختلال و بیماری در رفتار است، زیرا با توجه به عوارض نابهنجار و نامطلوبی که به همراه دارد، آسیب‌ها و مشکلات مختلفی را برای هر یک از افراد دیگر ایجاد می‌نماید (فونگ، ونگ و تام^۴، ۲۰۰۹). خیانت‌زنشویی می‌تواند پیامدهای عاطفی شدیدی در زوجین ایجاد کند، بنابراین شناخت عوامل روان‌شناختی همسران خیانت‌دیده از جمله عواملی است که می‌تواند در کمک و مشاوره به آن‌ها جهت کاهش آسیب‌های روان‌شناختی پس از تجربه خیانت نقش مهمی را ایفا نماید (اشنایدر، باکوم و گوردن^۵، ۲۰۰۸).

¹. infidelity

². Jeanfreau

³. Drigotas

⁴. Fung, Wong, Tam

⁵. Snyder, Baucom & Gordon



در جامعه ایرانی به دلیل مسائل فرهنگی، روابط فرازنشویی علت ضروری و اصلی نیست که یکی از همسران، چه همسری که خیانت کرده و چه همسری که مورد خیانت واقع شده بخواهد طلاق بگیرد. از طریق انجام این‌گونه پژوهش‌ها، بستر مناسبی در شکل‌گیری نظریه‌های تکاملی به وجود آمده و به‌گونه دقیق و تجربی می‌توان ارتباط بین پدیده خیانت زناشویی با ویژگی‌های شخصیتی، رضایت جنسی و سبک‌های دلبستگی، را توصیف، کنترل، تبیین و شاید پیش‌بینی نمود. این‌گونه اقدامات باعث می‌شود تا علم روان‌شناختی به سطوح نظری دست‌یافته و مشکلات ناشی از خلأ نظریه‌های تکاملی را برطرف سازد. این‌گونه نظریه‌پردازی می‌تواند در راستای پیشگیری از روابط فرازنشویی و شاید کاهش طلاق و گرایش افراد به سوی پدیده طلاق، گام مؤثری باشد و از آن به‌عنوان اقدام پیش‌گیرنده در زمینه ازهم‌پاشیدگی خانواده و با احتمال قطعی، غنی‌سازی خانواده استفاده کرد.

ابراهیمی مقدم و پوری محمد (۱۳۹۴) نشان دادند که تفاوت معناداری بین سبک‌های دلبستگی همسران خیانت‌دیده و همسران افراد عادی وجود دارد. مقادیر میانگین حاکی از بالای بودن سبک دلبستگی اضطرابی در همسران خیانت‌دیده و بالا بودن سبک وابستگی و نزدیک بودن در همسران افراد عادی است. جرأت‌پور (۱۳۹۴) بین مؤلفه‌های ویژگی‌های شخصیت در زنان دارای خیانت زناشویی با زنان فاقد خیانت زناشویی تفاوت معنادار به‌دست آورد. بنابراین تعیین هر یک از مؤلفه‌های ویژگی‌های شخصیت می‌تواند پیش‌بینی‌کننده نارضایتی زوجین و خیانت زناشویی باشد. افراد روان‌رنجور به دلیل ناسازگاری، بیشترین درصد ورود به روابط خیانت را نشان می‌دهند. در پژوهش سامی و همکاران (۱۳۹۴) بر اساس برآزش الگوی نهایی مشخص شد که سبک دلبستگی ایمن از طریق رضایتمندی بر پیمان‌شکنی اثر منفی و معنادار دارد. سبک دلبستگی اجتنابی با واسطه رضایت‌مندی بر پیمان‌شکنی اثر غیرمستقیم و برون‌گرایی دارد. اثر غیرمستقیم روان‌رنجوری بر پیمان‌شکنی با نقش واسطه‌ای رضایت‌مندی مثبت بود. توافق‌پذیری و مسئولیت‌پذیری (اثر غیرمستقیم) نیز توانست از طریق رضایت‌مندی بر پیمان‌شکنی اثر منفی معنادار داشته باشد. همچنین روان‌رنجوری، برون‌گرایی و اشتیاق به تجربه، به‌طور مستقیم و مثبت و مسئولیت‌پذیری به‌طور مستقیم و منفی بر پیمان‌شکنی اثرگذار بود. یافته‌های شاه‌سیاه و همکاران (۱۳۸۷) نشان داد که بین تعهد زناشویی و رضایت جنسی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین طول‌مدت ازدواج با تعهد زناشویی و رضایت جنسی رابطه وجود دارد؛ هر چه طول‌مدت ازدواج کمتر باشد، تعهد و رضایت جنسی بیشتر است.

شیردل (۱۳۸۵) در پژوهش خود بر روی ۲۰۰ نفر (۱۰۰ مرد و ۱۰۰ زن) در شهرستان بجنورد نشان داد که بین رضایت از روابط جنسی و گرایش زنان و مردان به رابطه نامشروع همبستگی معنادار و

معکوس وجود دارد، وی همچنین نشان داد که همبستگی بین رضایت عاطفی زنان و مردان با گرایش آنان به رابطه نامشروع معنادار و معکوس است. بین حس انتقام‌جویی در زنان و مردان با گرایش آنان به رابطه نامشروع رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد. گرایش زنان به رابطه نامشروع به علت تنوع‌طلبی نیست. بین تنوع‌طلبی مردان با گرایش آنان به رابطه نامشروع همبستگی معنادار و مستقیم وجود دارد. نتایج پژوهش کوهن^۱ (۲۰۰۵) نشان داد که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، نسبت به افراد دارای دلبستگی‌های ناایمن، خیانت کمتری می‌کنند. در پژوهش هازن و شیور (۲۰۰۷) که به بررسی طبیعت گرایانه سبک‌های دلبستگی پویا در افراد بزرگ‌سال تأکید نمود مشخص گردید که بین سبک دلبستگی و متارکه زوجین ارتباط معناداری وجود دارد. از این رو، با توجه به راهبردهای رفتاری که همواره زنان بیشتر از مردان نشان می‌دهند می‌توان به اثرات مدل‌های فعال در روابط زوجین تأکید نمود.

در پژوهش کولین و فینی^۲ (۲۰۰۴) با بررسی ۹۳ زن و شوهر مشخص شد که سبک دلبستگی ایمن باعث می‌شود تا تداوم بیشتری در روابط بین فردی صمیمی به وجود آید و همواره سبک دلبستگی اجتنابی به دنبال حمایت‌جویی مؤثر نمی‌رود. به علاوه، سبک دلبستگی مضطرب بی‌توجهی ضعیفی را به همسر خویش نشان می‌دهد. گلاس (۱۹۸۱) سه نوع متفاوت از رابطه خارج از ازدواج را شناسایی کرد؛ نوع اول درگیری عاطفی بدون مقاربت جنسی؛ نوع دوم داشتن رابطه جنسی بدون درگیری عاطفی و نوع سوم ترکیبی از دو نوع قبلی که شامل رابطه جنسی و عاطفی است. نوع سوم، آسیب‌زنده‌ترین حالت به ازدواج است (کمپل، ۲۰۰۹). بر اساس یافته‌های آماتو و راگرز (۱۹۹۷)، احتمال تجربه روابط خارج از ازدواج در زوج‌های جوان‌تر (کم سن و سال‌تر) بیشتر است؛ در حالی که یافته‌های آنکینز، بوکام و جکبسون (۲۰۰۱) نشان می‌دهد زوج‌هایی که در سنین بالا ازدواج کردند، تجربه بیشتری از خیانت داشتند. لیو^۳ (۲۰۰۰) دریافت روابط جنسی خارج از ازدواج، در سال هفتم ازدواج به اوج خود می‌رسد. این یافته با نرخ طلاق همسو است که بیشترین میزان آن در سال هشتم ازدواج اتفاق می‌افتد (تیوسنارد^۴، ۲۰۰۹). یافته‌های مطالعه براون^۵ (۲۰۰۶) حاکی از آن است که اولین مرحله در خیانت زوج‌ها، نارضایتی است؛ به حدی که امیدی به بهبود نباشد. برخی شواهد نشان می‌دهد ماهیت بی‌وفایی مردان

^۱.Cohen

^۲.Colin & Feeney

^۳.Liu

^۴.Touesnard

^۵.Brown



و زنان متفاوت است. آتکینز^۱، بوکام^۲ و کریستنسن^۳ (۲۰۰۵) دریافتند مردان درگیر روابط خارج از ازدواج، بیش از زنان از روابط جنسی زناشویی خود ناراضی‌اند. این تفاوت‌ها به توقع‌های متفاوت جنسیتی و جامعه‌پذیری نقش جنسیت مربوط است که در آن زنان را بیشتر به دوست داشتن و مردان را به داشتن رابطه جنسی سوق می‌دهد.

پژوهش‌های تجربی نشان داده‌اند میزان روابط خارج از ازدواج در افراد مذهبی کمتر است (آمانو و راگرز، ۱۹۹۷؛ تریز و گیسن، ۲۰۰۰؛ آتکینز و همکاران، ۲۰۰۱). بوردت و همکاران (۲۰۰۷) معتقدند همه گروه‌های مذهبی، واقعاً روابط نامشروع جنسی را محکوم می‌کنند. این امر اشاره می‌کند که کسانی که وابستگی مذهبی دارند، به پیام‌های مذهبی مبنی بر محکومیت خیانت زناشویی و تأکید بیشتر بر پابندی به تعهدات زناشویی و خانواده توجه می‌کنند. لیو (۲۰۰۰) معتقد است داشتن فرزند نوعی سرمایه‌گذاری انسانی^۴ است که فرد را به خانواده‌اش پایبند می‌کند؛ فرض بر این است که فرزندان مثل سدهایی در مقابل بی‌وفایی زناشویی عمل می‌کنند؛ چون سرمایه‌گذاری فرد را در رابطه زناشویی افزایش می‌دهند. یافته‌ها نشان می‌دهد مردان بیش از زنان، درگیر روابط خارج از ازدواج می‌شوند (تریس و گیسن، ۲۰۰۰؛ آتکینز و دیگران، ۲۰۰۱؛ آلن و بوکام، ۲۰۰۴؛ دراکرمن^۵، ۲۰۰۷).

مرور ادبیات و پیشینه پژوهش حاکی از این است که پدیده فرازنشویی ابعاد مختلفی دارد و تحت تأثیر متغیرهای مختلفی بروز می‌کند. علاوه بر این، پیچیدگی این رفتار در زوجین و تأثیرپذیری آن از بافت فرهنگی و اجتماعی با توجه به اجماع کلی در مذموم بودن آن، ضرورت پژوهش‌های بیشتر را ایجاب می‌کند. بررسی بسترهای بروز این پدیده به‌عنوان عامل از هم پاشیدن خانواده‌ها باعث می‌شود تا در بافت‌های مختلف به مطالعه آن پرداخته شود. بنابراین، پژوهش حاضر درصدد است تا به این پرسش پاسخ دهد که آیا ویژگی‌های شخصیتی، رضایت جنسی و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی روابط فرازنشویی نقش دارند؟ در این مطالعه بر اساس هدف اساسی آن فرضیه‌های زیر آزمون شدند:

فرضیه اول: روابط فرازنشویی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، رضایت جنسی و سبک‌های دلبستگی قابل پیش‌بینی است.

فرضیه دوم: روابط فرازنشویی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، رضایت جنسی و سبک‌های دلبستگی در زنان قابل پیش‌بینی است.

¹.Atkins Yi

².Baucom

³.Chirstensen

⁴.human capital investment

⁵.Druckerman

فرضیه سوم: روابط فرازنشویی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، رضایت جنسی و سبک‌های دلبستگی در مردان قابل پیش‌بینی است.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به هدف این پژوهش که در آن رابطه ویژگی‌های شخصیتی، رضایت جنسی و سبک‌های دلبستگی (متغیرهای پیش‌بین) با روابط فرازنشویی (متغیر ملاک) مورد بررسی قرار گرفت، این پژوهش از نظر نوع هدف، کاربردی و از نظر نوع گردآوری داده کمی بود؛ همچنین از نظر روش گردآوری داده‌ها یا ماهیت و روش پژوهش توصیفی-همبستگی بود.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری دربرگیرنده زنان و مردان خیانت‌دیده شهر تهران در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۵ بود. در خصوص حجم نمونه، مطالعات چندمتغیره (مطالعاتی که در آن‌ها چندین متغیر مستقل و وابسته وجود دارد) در مقایسه با مطالعات تک‌متغیره همیشه نیازمند نمونه‌های بزرگ‌تری هستند، زیرا، در آن‌ها چندین ابزار اندازه‌گیری مختلف برای فردی واحد اجرا می‌شود، و پاسخ‌های آن تحلیل می‌شود. با توجه به نوع مطالعه و تعداد متغیرهای پیش‌بین در تحلیل رگرسیون بنا به توصیه تاباچینک و فیدل^۱ (۲۰۰۷) حجم نمونه بر اساس بالاترین میزان متغیرهای وارد شده در مدل حاضر، ۸ برابر تعداد متغیرهای پیش‌بین به اضافه ۵۰ (یعنی، $122 = 8 \times 9 + 50$) محاسبه شد. درنهایت، با توجه به موارد بالا و در نظر گرفتن مسائل اجرایی، هزینه و افت آزمودنی‌ها، حداقل حجم نمونه نهایی با بیش برآورد برای دو گروه مردان و زنان هر یک ۱۲۲ نفر و در مجموع ۲۴۴ نفر تعیین شد. درنهایت، نرخ پاسخ برای زنان ۹۱ نفر (برابر ۷۵ درصد) و برای مردان ۱۰۹ نفر (برابر ۸۹ درصد) بود. روش نمونه‌گیری به شیوه غیرتصادفی در دسترس انجام گرفت.

ابزارهای پژوهش

در این پژوهش ۴ پرسشنامه استاندارد به شرح زیر مورد استفاده قرار گرفت: پرسشنامه خیانت زناشویی: در این پژوهش برای اندازه‌گیری میزان خیانت زناشویی، از پرسشنامه استعداد خیانت زناشویی که دارای ۵۲ ماده بود، استفاده شد. مرامی و خادمی (۱۳۹۲) از این پرسشنامه برای بررسی استعداد خیانت زناشویی در جامعه ایرانی استفاده کرده‌اند و معتقدند که به‌ندرت آزمون‌هایی هستند که استعداد اولیه یا زمینه‌های روانی-تربیتی اجتماعی را در حیطه‌های خاص بسنجند.

^۱. Tabachnick & Fidell



ساخت و هنجاریابی مقیاس استعداد خیانت زناشویی در جامعه‌ی ایرانی توسط مرامی و خادمی (۱۳۹۲) روی ۴۸۴ زوج متأهل و مجرد اجرا شد. مرامی و خادمی (۱۳۹۲) با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی در ۴۸۴ نمونه نشان دادند که با استفاده از این پرسشنامه می‌توان بین استعداد خیانت زنان و مردان متأهل و مجرد تمایز قائل شد. هر یک از موضوعات این پرسشنامه، در ارتباط با یکی از زمینه‌های مهم است. ارزیابی این زمینه‌ها در درون یک رابطه‌ی زناشویی، می‌تواند مشکلات بالقوه زوج‌ها را توصیف کند، یا می‌تواند زمینه‌های نیرومندی و تقویت آن‌ها را مشخص نماید. این ابزار همچنین می‌تواند به‌عنوان یک ابزار تشخیصی برای زوج‌هایی که در جستجوی مشاوره زناشویی و مشاوره پیش از ازدواج و افرادی که به دنبال تقویت رابطه زناشویی خود هستند، استفاده شود (مرامی و خادمی، ۱۳۹۲).

در این مقیاس سیزده عنصر یافت شد که این سیزده عنصر، چهار عامل بزرگ را تبیین می‌کنند که عوامل به این ترتیب که عامل یک (جهانی شدن) شامل ۳ زیرمقیاس که دربرگیرنده اینترنت، ماهواره و الگوپذیری از جوامع غربی است. عامل دو (جنسی) شامل ۳ زیرمقیاس که دربرگیرنده افکار جنسی، رفتار جنسی، الگوبرداری جنسی است و عامل سه (شخصیتی) شامل چهار زیرمقیاس که دربرگیرنده شخصیت‌های وابسته، خودشیفته، هیجانی، دلبسته ناایمن است و عامل ۴ (خانوادگی) شامل سه زیرمقیاس که دربرگیرنده ارتباطات خانوادگی، ساختار خانوادگی و ازدواج تحمیلی است، را نشان می‌دهند. پرسشنامه به صورت پنج گزینه‌ای لیکرتی شامل «مخالفم»، «نه موافق و نه مخالف»، «موافقم» و «کاملاً موافقم» تنظیم شده است. پرسشنامه برای هر یک از ماده‌ها، پنج گزینه است که برای آن‌ها نمره‌ای از ۰ تا ۴ تعلق می‌گیرد که برحسب جهت سوالات، متفاوت است. خادمی و مرامی (۱۳۹۲) در این مقیاس طراحی شده، جهت تعیین روایی سازه مقیاس، از روش میزان همبستگی مقیاس با آزمون رضایت زناشویی انریچ، همسانی درونی و تمایز مجرد و متأهل بودن و تحلیل عاملی استفاده کردند. جهت تعیین روایی محتوا و صوری از نظرات متخصصان و همچنین جهت تعیین روایی ملاکی مقیاس، از ضریب همبستگی نمرات این مقیاس با پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ استفاده شده است. جهت تعیین پایایی مقیاس، از روش ضریب آلفای کرنباخ استفاده شده است. ضریب آلفای کرنباخ در پژوهش فوق برای کل پرسشنامه برابر ۰/۹۳، عامل ۱ (جهانی شدن) پرسشنامه برابر ۰/۸۰، عامل ۲ (جنسی) پرسشنامه برابر ۰/۸۰ است. پایایی عامل ۳ (شخصیتی) پرسشنامه برابر ۰/۸۹ و پایایی عامل ۴ (خانوادگی) پرسشنامه، برابر ۰/۷۰ بوده است.

پرسشنامه رضایت جنسی هادسون: این پرسشنامه توسط هادسون-هریسون و کروسکاپ (۱۹۸۱) برای ارزیابی سطوح رضایت زوجین ساخته شد. این مقیاس دارای ۲۵ سؤال است و جزو پرسشنامه‌های

خودگزارشی محسوب می‌شود. پاسخ آزمودنی به هر ماده آزمون در سطح یک مقیاس ۷ درجه‌ای بین ۰ تا ۶ مشخص می‌شود و در مجموع نمره آزمودنی‌ها در کل آزمون بین ۰ تا ۱۵۰ در نوسان است. همچنین پاره‌ای از ماده‌های مقیاس، نمره‌گذاری معکوس دارد. نمره بالا در این مقیاس منعکس‌کننده رضایت جنسی است. ثبات درونی این مقیاس توسط طراحان محاسبه و آلفای کرنباخ آن ۰/۹۱ به دست آمد. اعتبار مقیاس نیز با روش بازآزمایی بلافاصله یک هفته محاسبه گردید که برابر ۰/۹۳ شد. روایی مقیاس از طریق روایی تفکیکی محاسبه گردید که نتایج نشان داد مقیاس، توانایی تشخیص زوجین دارا و فاقد مشکلات جنسی را دارد (بخشایش و مرتضوی، ۱۳۸۸).

پرسشنامه شخصیتی نئو *NEO-FFI-60*: این پرسشنامه توسط کاستاو و مک‌کرا (۱۹۹۲) در ۶۰ گویه طراحی شده است، در هر گویه، پاسخگو نمره صفر تا چهار را می‌تواند احراز کند. هریک از گویه‌ها، نشان‌دهنده یکی از پنج عامل بزرگ شخصیت کاستاو و مک‌کرا به ترتیب، عامل N روان‌آزوده‌گرایی (روان‌رنجوری) E برون‌گرایی، D گشودگی (انعطاف‌پذیری) A توافق و C باوجدان بودن است، هریک از عوامل ۱۲ سؤال مقیاس را پوشش می‌دهند در کل آزمودنی در هر مقیاس نمره‌ای از صفر تا ۴۸ کسب می‌کند. در زمینه روایی هم‌زمان این پرسشنامه و پرسشنامه نشانگر ریخت‌مایرز بریکز، پرسشنامه چندبعدی شخصیتی مینه‌سوتا، پرسشنامه تجدیدنظر شده کالیفرنیا، بررسی مزاج گیلفورد و زاکرمن، فهرست رگه‌ها مقیاس رگه بین فردی رابطه بالایی گزارش شده است (آتش‌روز، ۱۳۸۶). گزارش‌هایی نیز در ارتباط با روایی عوامل NEO-FFI ارائه شده است. مک‌کرا و کاستاو (۱۹۸۹) بیان می‌کنند که ابزار کوتاه‌شده NEO بافرم کامل آن (NEO-PI) مطابقت دقیقی دارد، به گونه‌ای که مقیاس‌های فرم کوتاه، همبستگی بالاتر از ۰/۶۸ را با مقیاس‌های فرم کامل نشان می‌دهند. مک‌کرا و کاستاو (۱۹۹۲) در مطالعه دیگری گزارش می‌کنند که اعتبار ۵ عامل NEO-FFI، بر اساس همبستگی با ارزیابی‌های همسالان به ترتیب در دامنه‌ای از ۰/۴۴ برای باوجدان بودن تا ۰/۶۵ و برای گشودگی قرار دارد. در ضمن در این مطالعه گزارش شده است که این پرسشنامه، ۸۵ درصد واریانس را در اعتبار همگرا، که ارزیابی‌های صفات مشابه با استفاده از تأیید صفت و ارزیابی‌های همسالان به دست آمده است، تبیین می‌کند. حق‌شناس (۱۳۷۸) نیز برای سنجش ثبات در بازآزمایی پرسشنامه فارسی نئو، این آزمون را بر روی ۳۶ نفر انجام داد میانگین سنی ۳۳/۱۵ (انحراف استاندارد ۱۲/۱۹) و میانگین تحصیلات ۱۲ سال (انحراف استاندارد ۲/۴۵) در فاصله میانگین ۶/۷ ماه (انحراف استاندارد ۱/۱) از آزمون اول، مورد ارزیابی مجدد قرار گرفتند. نتایج نشانگر ضرایب همبستگی ۰/۵۳ تا ۰/۷۶ (p کمتر از ۰/۰۱) برای شاخص‌های اصلی بود. در بیشتر مقیاس‌های آزمون نیز ضرایب همبستگی قابل قبولی در بازآزمایی به دست آمد.



پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگ‌سال کولینز و رید (RAAS): کولینز و رید (۱۹۹۰) بر اساس نظریه هازن و شیور پرسشنامه سبک دلبستگی کولینز و رید (RAAS) را تهیه کردند. این پرسشنامه در ابتدا دارای ۲۱ ماده بود که بعدها به ۱۸ آیتم کاهش یافت (کولینز و رید، ۱۹۹۰). این پرسشنامه سه زیر مقیاس دارد که عبارت‌اند از: سبک اضطرابی (A) که با سبک دلبستگی دوسوگرا^۱ مطابقت دارد، سبک نزدیک‌بودن (C) که با سبک دلبستگی ایمن^۲ مطابقت دارد و سبک وابستگی (D) که تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی^۳ است. نمره‌گذاری پرسشنامه سبک دلبستگی کولینز و رید (RAAS) به این صورت است که ابتدا هر گویه در طیف لیکرت از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم نمره ۰ تا ۴ می‌گیرد. گویه‌های ۵-۱۶-۱۸-۶-۸-۱۷ به شکل معکوس نمره‌گذاری می‌شوند، سپس زیرمقیاس‌های پرسشنامه به ترتیب زیر به دست می‌آید. کولینز و رید (۱۹۹۰)؛ به نقل از پاکدامن، (۱۳۸۰) نشان دادند که زیر مقیاس‌های نزدیک‌بودن، وابستگی و اضطراب در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی در طول ۸ ماه پایدار ماندند و در مورد قابلیت اعتماد مقیاس دلبستگی بزرگ‌سال کولینز و رید میزان آلفای کرنباخ را برای هر زیرمقیاس این پرسشنامه در ۳ نمونه از دانشجویان به صورت زیر گزارش دادند. در پژوهش پاکدامن (۱۳۸۰) میزان اعتبار آزمون براساس نتایج حاصل از دو بار اجرای این پرسشنامه با فاصله زمانی یک ماه ۰/۹۵ به دست آمد.

روش اجرای پژوهش

با توجه به این‌که جامعه مورد پژوهش، متشکل از زنان و مردان خیانت‌دیده شهر تهران بود، پژوهشگر پرسشنامه‌ها را در اختیار افرادی که به دلیل خیانت همسرانشان به مراکز مشاوره و خانه‌های سلامت یا دادگاه‌های طلاق شهر تهران مراجعه داشتند، قرارداد، و پس از کسب موافقت آنان جهت مشارکت در پژوهش و توضیح درباره اهداف پژوهش و دستورالعمل تکمیل پرسشنامه‌ها، به آن‌ها پاسخ دادند. سپس، جهت توصیف و تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده اقدام شد.

یافته‌ها

در این پژوهش، متناسب با متغیرهای مورد مطالعه و نوع داده‌های جمع‌آوری شده، به منظور توصیف آنان از شاخص‌های گرایش مرکزی، پراکندگی و توزیع نمره‌ها استفاده شد. در مرحله تحلیل

^۱ ambivalent attachment style

^۲ secure attachment style

^۳ avoidant attachment style

آماري، با توجه به ماهيت مقياس اندازه‌گيري که از نوع فاصله‌اي است و فرضيه‌هاي پژوهش براي تحليل داده‌ها حسب مورد از روش ضريب همبستگي پيرسون و تحليل رگرسيون هم‌زمان استفاده شد.

جدول ۱: فراواني و فراواني درصدي شرکت‌کنندگان به تفکيک جنسيت

جنسيت	فراواني	درصد
زن	۹۱	۴۵/۵
مرد	۱۰۹	۵۴/۵
جمع	۲۰۰	۱۰۰

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده مي‌شود، بيش از نيمي از شرکت‌کنندگان مرد و باقي آنان (۴۵/۵ درصد) زن بودند.

جدول ۲: خلاصه شاخص‌هاي آماری مربوط به نمره‌هاي کل شرکت‌کنندگان در متغيرهاي ويژگي‌هاي شخصيت، رضايت جنسي، سبک‌هاي دلبيستگي و روابط فرازناشويي (N=۱۹۶)

متغيرها	مؤلفه‌ها	ميانگين	ميانه	انحراف معيار	کجی	کشيدگي
شخصيت	روان‌رنجور خوبي	۱/۸۲	۱/۷۵	۰/۵۶۸	۰/۰۸۶	۰/۰۵۳
	برون‌گرایی	۲/۳۶	۲/۴۱	۰/۴۳۷	-۰/۳۱۴	-۰/۴۰۲
	باز بودن به تجربه	۲/۱۱	۲/۰۸	۰/۴۱۱	۰/۳۰۰	۰/۲۲۱
	توافق	۲/۴۷	۲/۵۰	۰/۴۹۸	۰/۱۰۰	-۰/۴۲۶
رضايت جنسي	باوجدان بودن	۲/۷۱	۲/۷۵	۰/۷۱۷	-۰/۲۹۰	-۰/۴۴۳
	رضايت جنسي	۲/۹۷	۲/۹۲	۰/۶۴۹	۰/۰۳۵	۲/۱۷۹
سبک‌هاي دلبيستگي	سبک اضطرابي	۱/۸۳	۱/۸۳	۰/۸۴۹	-۰/۰۸۱	-۰/۴۴۶
	سبک نزديک بودن	۲/۳۱	۲/۳۳	۰/۴۷۲	۰/۴۳۶	۰/۸۲۷
	سبک وابستگي	۲/۲۸	۲/۲۰	۰/۵۴۱	۰/۳۰۰	۰/۱۲۸
	روابط فرازناشويي	۲/۲۹	۲/۲۷	۰/۵۸۷	۰/۲۵۶	-۰/۵۰۵

جدول ۳: خلاصه شاخص‌هاي آماری مربوط به نمره‌هاي شرکت‌کنندگان زن در متغيرهاي شخصيت، رضايت جنسي، سبک‌هاي دلبيستگي و روابط فرازناشويي (N=۹۰)

متغيرها	مؤلفه‌ها	ميانگين	ميانه	انحراف معيار	کجی	کشيدگي
شخصيت	روان‌رنجور خوبي	۱/۸۱	۱/۷۵	۰/۴۷۵	۰/۲۲۲	۰/۰۱۴
	برون‌گرایی	۲/۳۷	۲/۴۱	۰/۴۲۱	-۰/۱۶۶	-۰/۴۷۴
	باز بودن به تجربه	۲/۱۶	۲/۱۱	۰/۳۸۰	۰/۵۷۰	۱/۱۰۰
	توافق	۲/۴۱	۲/۴۱	۰/۴۳۲	۰/۱۱۰	۰/۰۰۱
رضايت جنسي	باوجدان بودن	۲/۶۰	۲/۵۸	۰/۷۰۶	-۰/۳۶۰	۰/۱۸۸
	رضايت جنسي	۲/۹۹	۲/۸۸	۰/۵۸۶	۰/۳۸۱	۰/۲۲۱
سبک‌هاي دلبيستگي	سبک اضطرابي	۱/۷۹	۱/۸۳	۰/۸۰۷	-۰/۲۷۲	-۰/۴۳۰
	سبک نزديک بودن	۲/۲۸	۲/۲۶	۰/۴۰۲	۰/۳۷۳	۰/۵۹۹
	سبک وابستگي	۲/۲۳	۲/۱۶	۰/۴۷۱	۰/۵۱۷	۰/۶۶۲
	روابط فرازناشويي	۲/۱۷	۲/۱۲	۰/۵۲۷	۰/۷۸۸	۱/۰۳۵



جدول ۴: خلاصه شاخص‌های آماری مربوط به نمره‌های شرکت‌کنندگان مرد در متغیرهای شخصیت، رضایت جنسی، سبک‌های دلبستگی و روابط فرازناشویی (N=۱۰۶)

متغیرها	مؤلفه‌ها	میانگین	میانه	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
	روان‌رنجور خوبی	۱/۸۲	۱/۸۳	۰/۶۴۰	۰/۰۲۰	-۰/۱۹۴
	برون‌گرایی	۲/۳۴	۲/۴۱	۰/۴۵۲	-۰/۴۱۱	-۰/۳۷۷
شخصیت	باز بودن به تجربه	۲/۰۶	۲/۰۸	۰/۴۳۳	۰/۲۲۳	-۰/۳۱۷
	توافق	۲/۵۳	۲/۵۰	۰/۵۴۵	-۰/۰۲۱	-۰/۷۰۲
	باوجدان بودن	۲/۸۰	۲/۹۱	۰/۷۱۸	۰/۲۶۴	۰/۹۹۶
رضایت جنسی	رضایت جنسی	۲/۹۵	۳	۰/۷۰۳	۰/۲۲۹	۲/۸۸۵
سبک‌های	سبک اضطرابی	۱/۸۶	۱/۸۳	۰/۸۸۴	۰/۰۱۸	-۰/۴۹۱
دلبستگی	سبک نزدیک بودن	۲/۳۳	۲/۳۳	۰/۵۲۴	۰/۴۰۰	۰/۶۱۶
	سبک وابستگی	۲/۳۳	۲/۳۳	۰/۵۹۱	-۰/۱۲۶	-۰/۱۴۷
روابط فرازناشویی	روابط فرازناشویی	۲/۳۸	۲/۴۳	۰/۶۱۲	-۰/۱۳۶	-۰/۹۰۷

جدول ۵: خلاصه نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها

متغیرها	روابط فرازناشویی (کل)	روابط فرازناشویی (زنان)	روابط فرازناشویی (مردان)
روان‌رنجور خوبی	-۰/۱۱۸	-۰/۱۶۸	-۰/۰۹۱
برون‌گرایی	۰/۳۶۲**	۰/۴۳۷**	۰/۳۲۳**
باز بودن به تجربه	۰/۱۴۷*	۰/۰۴۰	۰/۲۵۵*
توافق	۰/۳۴۹**	۰/۳۱۵**	۰/۳۴۷**
باوجدان بودن	۰/۴۸۶**	۰/۵۲۲**	۰/۴۳۷**
رضایت جنسی	-۰/۳۰۱**	-۰/۲۹۱**	-۰/۳۰۹**
سبک اضطرابی	-۰/۳۸۳**	-۰/۴۱۴**	-۰/۳۸۵**
سبک نزدیک بودن	-۰/۳۰۲**	-۰/۱۹۹	-۰/۳۸۴**
سبک وابستگی	-۰/۱۲۷	-۰/۰۳۴	-۰/۲۱۳*

** معنادار در سطح ۰/۰۱؛ * معنادار در سطح ۰/۰۵

ضرایب همبستگی به دست آمده در جدول بالا همبستگی بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک را نشان

می‌دهد ($p < ۰/۰۱$ و $p < ۰/۰۵$).

فرضیه اول: روابط فرازنشویی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، رضایت جنسی و سبک‌های دلبستگی قابل پیش‌بینی است.

جدول ۶: خلاصه ضرایب رگرسیون هم‌زمان

پیش‌بینی‌کننده‌ها	B	β	t	p	تلرانس	VIF	دوربین-واتسون
عدد ثابت	۱/۶۶۰	-	۳/۲۶۷**	۰/۰۰۱	-	-	
روان‌رنجورخویی	۰/۲۰۱	۰/۱۸۵	۲/۵۷۶*	۰/۰۱۱	۰/۷۳۵	۱/۳۶۰	
برون‌گرایی	۰/۰۰۸	۰/۰۰۶	۰/۰۷۱	۰/۹۴۴	۰/۵۸۳	۱/۷۱۵	
بازبودن به تجربه	۰/۰۸۵	۰/۰۶۰	۰/۹۲۶	۰/۳۵۶	۰/۸۹۱	۱/۱۲۲	
توافق	۰/۰۷۴	۰/۰۶۲	۰/۷۱۰	۰/۴۷۹	۰/۴۹۵	۲/۰۲۰	۱/۶۴۷
باوجدان‌بودن	۰/۳۴۷	۰/۴۲۸	۴/۷۸۳**	۰/۰۰۱	۰/۴۷۳	۲/۱۱۶	
رضایت جنسی	-۰/۱۰۵	-۰/۱۱۳	-۱/۶۶۰	۰/۰۹۹	۰/۸۱۴	۱/۲۲۸	
سبک اضطرابی	-۰/۱۷۱	-۰/۲۴۳	-۳/۲۵۲**	۰/۰۰۱	۰/۶۷۷	۱/۴۷۶	
سبک نزدیک‌بودن	-۰/۱۱۷	-۰/۰۹۲	۱/۲۵۷	۰/۲۱۱	۰/۷۱۲	۱/۴۰۴	
سبک وابستگی	-۰/۰۷۷	-۰/۰۶۸	-۰/۹۷۲	۰/۳۳۳	۰/۷۷۵	۱/۲۹۰	

** معنادار در سطح ۰/۰۱؛ * معنادار در سطح ۰/۰۵

$$R=۰/۶۴۰؛ R^2=۰/۴۱ \text{ تعدیل شده؛ } R^2=۰/۳۷۶؛ F=۱۲/۰۵۴**$$

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، مقدار R^2 به دست آمده (۰/۴۱) بدین معنی است که ۴۱ درصد از واریانس متغیر روابط فرازنشویی توسط ۵ مؤلفه شخصیت روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، باز بودن به تجربه، توافق و باوجدان‌بودن، رضایت جنسی و سه سبک دلبستگی اضطرابی، نزدیک بودن و وابستگی تبیین می‌شود. علامت ضرایب بتای به دست آمده نشان داد که دو متغیر روان‌رنجورخویی، باوجدان‌بودن با متغیر روابط فرازنشویی همبستگی مثبت و معنادار دارند. به عبارت دیگر، با افزایش در این مؤلفه‌ها نمره روابط فرازنشویی زوجین افزایش می‌یابد. درعین حال، همبستگی متغیر سبک اضطرابی با روابط فرازنشویی منفی و معنادار است. درنهایت، با توجه به این توضیحات و ضریب به دست آمده می‌توان معادله رگرسیون را بر اساس ضرایب رگرسیون استاندارد شده به صورت زیر تدوین کرد:

$$Y = ۱/۶۶۰ + ۰/۱۸۵ (\text{روان‌رنجورخویی}) + ۰/۴۳۸ (\text{باوجدان‌بودن}) - ۰/۲۴۳ (\text{سبک اضطرابی})$$

(فرازنشویی)



فرضیه دوم: روابط فرازنشویی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، رضایت جنسی و سبک‌های دلبستگی در زنان قابل پیش‌بینی است.

جدول ۷: خلاصه ضرایب رگرسیون هم‌زمان

پیش‌بینی‌کننده‌ها	B	β	t	p	تلرانس	VIF	دوربین-واتسون
عدد ثابت	۱/۲۷۷	-	۱/۵۱۷	۰/۱۳۴	-	-	
روان‌رنجورخویی	۰/۱۱۸	۰/۱۰۵	۰/۹۶۴	۰/۳۳۸	۰/۷۵۴	۱/۳۲۶	
برون‌گرایی	۰/۱۷۲	۰/۱۴۱	۱/۰۸۵	۰/۲۸۲	۰/۵۳۷	۱/۸۶۴	
بازبودن به تجربه	-۰/۰۴۱	-۰/۰۲۹	-۰/۲۸۰	۰/۷۸۰	۰/۸۱۶	۱/۲۲۵	
توافق	-۰/۰۳۷	-۰/۰۳۰	-۰/۲۳۷	۰/۸۱۳	۰/۵۶۹	۱/۷۵۹	۱/۵۸۲
باوجدان بودن	۰/۳۲۱	۰/۴۲۷	۲/۹۹۸**	۰/۰۰۴	۰/۴۴۴	۲/۲۵۰	
رضایت جنسی	۰/۰۸۰	۰/۰۸۸	۰/۶۸۲	۰/۴۹۸	۰/۵۴۰	۱/۸۵۰	
سبک اضطرابی	-۰/۱۸۲	-۰/۲۷۷	-۳/۰۴۰*	۰/۰۴۵	۰/۴۸۹	۲/۰۴۶	
سبک نزدیک بودن	-۰/۱۳۲	-۰/۱۰۰	-۰/۸۸۶	۰/۳۷۹	۰/۷۰۹	۱/۴۱۰	
سبک وابستگی	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۴۲	۰/۹۶۷	۰/۷۶۲	۱/۳۱۲	

** معنادار در سطح ۰/۰۱؛ * معنادار در سطح ۰/۰۵

$$R=۰/۶۱۵؛ R^2=۰/۳۷۹؛ R^2 \text{ تعدیل شده} = ۰/۲۹۷؛ F=۴/۶۶۹**$$

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، مقدار R^2 به دست آمده (۰/۳۷۹) بدین معنی است که ۳۷/۹ درصد از واریانس متغیر روابط فرازنشویی در زنان توسط پنج مؤلفه شخصیت روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، بازبودن به تجربه، توافق و باوجدان بودن، رضایت جنسی و سه سبک دلبستگی اضطرابی، نزدیک بودن و وابستگی تبیین می‌شود. علامت ضرایب بتای به دست آمده نشان داد که متغیر باوجدان بودن با متغیر روابط فرازنشویی همبستگی مثبت و معنادار دارد. به عبارت دیگر، با افزایش در این مؤلفه، نمره روابط فرازنشویی زوجین افزایش می‌یابد. درعین حال، همبستگی متغیر سبک اضطرابی با روابط فرازنشویی منفی و معنادار است. در نهایت، با توجه به این توضیحات و ضریب به دست آمده می‌توان معادله رگرسیون را بر اساس ضرایب رگرسیون استاندارد شده به صورت زیر تدوین کرد:

$$(سبک اضطرابی) - ۰/۲۷۷ - (باوجدان بودن) ۰/۴۲۷ + ۱/۲۷۷ Y = (روابط فرازنشویی زنان)$$

فرضیه سوم: روابط فرازناشویی بر اساس ویژگی های شخصیتی، رضایت جنسی و سبک های دلبستگی در مردان قابل پیش بینی است.

جدول ۸: خلاصه ضرایب رگرسیون همزمان

دوربین- واتسون	VIF	تلرانس	p	t	β	B	پیش بینی کننده ها
	-	-	۰/۰۰۲	۳/۱۹۵**	-	۲/۰۵۳	عدد ثابت
	۱/۵۰۶	۰/۶۶۴	۰/۰۳۵	۲/۱۵۰*	۰/۲۱۲	۰/۲۲۱	روان رنجور خوبی
	۱/۹۴۱	۰/۵۱۵	۰/۵۸۶	-۰/۵۴۷	-۰/۰۶۱	-۰/۰۸۹	برون گرایی
	۱/۱۷۲	۰/۸۵۳	۰/۰۷۶	۱/۷۹۸	۰/۱۵۷	۰/۲۲۲	بازبودن به تجربه
۱/۹۶۵	۲/۳۱۳	۰/۴۳۲	۰/۶۴۹	-۰/۲۳۷	۰/۰۵۶	۰/۰۶۵	توافق
	۲/۳۶۴	۰/۴۲۳	۰/۰۰۱	۲/۹۹۸**	۰/۴۴۲	۰/۳۷۹	باوجدان بودن
	۱/۰۹۸	۰/۹۱۰	۰/۰۰۳	۲/۹۹۸**	-۰/۲۵۴	-۰/۲۳۵	رضایت جنسی
	۱/۴۶۵	۰/۶۸۳	۰/۰۰۷	۲/۹۹۸**	-۰/۲۷۱	-۰/۱۹۵	سبک اضطرابی
	۱/۶۳۶	۰/۶۱۱	۰/۳۹۶	-۰/۸۸۶	-۰/۰۸۸	-۰/۱۰۷	سبک نزدیک بودن
	۱/۳۲۶	۰/۷۵۴	۰/۲۸۸	۰/۰۴۲	-۰/۰۹۹	-۰/۱۱۱	سبک وابستگی

** معنادار در سطح ۰/۰۱؛ * معنادار در سطح ۰/۰۵

$$R=۰/۷۰۸؛ R^2=۰/۵۰۲ \text{ تعدیل شده؛ } R^2=۰/۴۴۳؛ F=۸/۶۰۸**$$

همان طور که در جدول بالا مشاهده می شود، مقدار R^2 به دست آمده (۰/۵۰۲) بدین معنی است که ۵۰/۲ درصد از واریانس متغیر روابط فرازناشویی در مردان توسط پنج مؤلفه شخصیت روان رنجور خوبی، برون گرایی، بازبودن به تجربه، توافق و باوجدان بودن، رضایت جنسی و سه سبک دلبستگی اضطرابی، نزدیک بودن و وابستگی تبیین می شود. علامت ضرایب بتای به دست آمده نشان داد که متغیرهای روان رنجور خوبی و باوجدان بودن با متغیر روابط فرازناشویی همبستگی مثبت و معنادار دارند. به عبارت دیگر، با افزایش در این مؤلفه ها نمره روابط فرازناشویی زوجین افزایش می یابد. درعین حال، همبستگی متغیرهای رضایت جنسی و سبک اضطرابی با روابط فرازناشویی منفی و معنادار است. در نهایت، با توجه به این توضیحات و ضریب به دست آمده می توان معادله رگرسیون را بر اساس ضرایب رگرسیون استاندارد شده به صورت زیر تدوین کرد:

$$Y = ۲/۰۵۳ \text{ (روابط فرازناشویی مردان)} + ۰/۱۹۵ \text{ (سبک اضطرابی)} - ۰/۲۳۵ \text{ (سبک اضطرابی)} - ۰/۴۴۲ \text{ (باوجدان بودن)} + ۰/۲۱۲ \text{ (باوجدان بودن)}$$



بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های یادشده، نتایج نشان داد بین ویژگی‌های شخصیتی، رضایت جنسی و سبک‌های دلبستگی و متغیر روابط فرزندناشویی زوجین همبستگی معنادار وجود دارد که از بین متغیرهای مذکور دو متغیر روان‌رنجورخویی، باوجدان‌بودن با متغیر روابط فرزندناشویی همبستگی مثبت و معنادار دارند. درعین‌حال، همبستگی متغیر سبک اضطرابی با روابط فرزندناشویی منفی و معنادار است. در راستای ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی با روابط فرزندناشویی، نتیجه به‌دست‌آمده با نتایج پژوهش‌های جرأت‌پور (۱۳۹۴)، عامری، ترابیان و همکارانش (۱۳۹۱) و سامی و همکارانش (۱۳۹۴) همخوانی دارد. در تبیین این روابط می‌توان گفت که عوامل شخصیتی نسبت به عوامل اجتماعی بر روابط زناشویی تأثیر عمیق‌تری دارد و هر فرد تاریخچه شخصی و روان‌شناختی منحصربه‌فردی را در موقعیت زناشویی وارد می‌کند. این تاریخچه الگوهای آموخته‌شده فرد، می‌تواند رضایت زناشویی را کاهش دهد و یا آن را آسان‌سازد. در این راستا، بسیاری از پژوهش‌ها، مشکلات شخصیتی را مهم‌ترین عامل نارضایتی، ناسازگاری زناشویی و گرایش به روابط فرزندناشویی معرفی کرده است. با توجه به پژوهش جرأت‌پور (۱۳۹۴)، بین مؤلفه‌های ویژگی‌های شخصیت در زنان دارای خیانت زناشویی با زنان فاقد خیانت زناشویی تفاوت معنادار وجود دارد. بنابراین تعیین مؤلفه‌های ویژگی‌های شخصیت می‌تواند پیش‌بینی‌کننده نارضایتی زوجین و خیانت زناشویی باشد. همچنین در پژوهش سامی و همکارانش (۱۳۹۴) روان‌رنجوری، برونگرایی و اشتیاق به تجربه به‌طور مستقیم و مثبت و مسئولیت‌پذیری به‌طور مستقیم و منفی بر پیمان‌شکنی اثرگذار بود. علاوه بر این نتایج پژوهش عامری و همکارانش (۱۳۹۱) نشان داد که زنان خیانت‌دیده (دادگاه) میزان نوروتیک بالاتر، زنان خیانت‌دیده (مراکز مشاوره) وجدان‌گرایی بالاتری نسبت به زنان عادی داشته‌اند.

در زمینه رابطه بین سبک‌های دلبستگی با خیانت زناشویی، ازجمله پژوهش‌های انجام‌گرفته می‌توان به پژوهش‌های ابراهیمی مقدم و پوری محمد (۱۳۹۴)، سامی و همکارانش (۱۳۹۴)، عبدی، خوش‌کش، تقی‌پور و محمدی (۱۳۹۱) عامری و همکارانش (۱۳۹۱)، اصغری‌نژاد و دانش (۱۳۸۴)، فریکو، کوهن (۲۰۰۵) و هازن و شیور (۲۰۰۷) اشاره نمود که همگی تائیدکننده نتیجه پژوهش حاضر هستند. در پژوهش ابراهیمی مقدم و پوری محمد (۱۳۹۴) مقادیر میانگین حاکی از بالا بودن سبک دلبستگی اضطرابی در همسران خیانت‌دیده نسبت به همسران افراد عادی بود. در پژوهش عبدی و همکارانش (۱۳۹۱) نتایج نشان داد که خیانت اینترنتی با سبک دلبستگی ایمن، همبستگی منفی و با سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا همبستگی مثبت دارد. سامی و همکارانش (۱۳۹۴) نیز در

پژوهش خود نشان دادند سبک دلبستگی اجتنابی با واسطه رضایتمندی بر پیمان شکنی اثر غیرمستقیم و برونگرایی دارد. اصغری نژاد و دانش (۱۳۸۴) اشاره کرد که همگی بیانگر این موضوع هستند که افراد با سبک دلبستگی وابستگی از مشکلات زناشویی کمتر، مشکلات بین شخصی کمتر و سطح شادکامی بیشتری نسبت به افراد واجد دلبستگی اضطرابی و نزدیک بودن برخوردارند. نتایج پژوهش کوهن (۲۰۰۵) که باهدف بررسی رابطه دلبستگی با خیانت در روابط رمانتیک انجام داد نشان داد که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، نسبت به افراد دارای دلبستگی های ناایمن، خیانت کمتری می کنند. در پژوهش هازن و شیور (۲۰۰۷) که به بررسی طبیعت گرایانه سبک های دلبستگی پویا در افراد بزرگسال تأکید نمود مشخص گردید که بین سبک دلبستگی و متارکه زوجین ارتباط معناداری وجود دارد

نتایج پژوهش های انجام شده در زمینه ارتباط با دلبستگی بزرگسالان با میزان مهار احساس ها و عواطف (از جمله فینی، ۱۹۹۹، داویلا، برادبوری و فینچام، ۱۹۹۸)، این نکته را برجسته کرده اند که افراد دلبسته اضطرابی (آرامش کم، عدم ارتباط نزدیک و افزایش اضطراب در ارتباطها) در مقایسه با افراد دارای دلبستگی وابستگی و نزدیک بودن در روابط خود با دیگران، بیشتر مایل اند. در این راستا می توان به پژوهش میرنوش (۱۳۸۳) پیرامون «بررسی مقایسه ای سبک های دلبستگی در افراد تک همسر و چند همسر» اشاره نمود؛ که با نتایج پژوهش حاضر که نشان داد سبک های دلبستگی از جمله متغیرهای تأثیرگذار در روابط بین زوجین بوده و می تواند ارتباط بین آن ها را متأثر سازد، همخوانی دارد. برای تبیین نتیجه حاصل می توان از نظریه بالبی بهره برد، بالبی (۱۹۶۹) معتقد است که دلبستگی در کودکی، نقش حیاتی را در زندگی انسان ایفا می کند و روابط دلبستگی توأم با امنیت می تواند نقش تسهیل کننده ای را در روابط بین فردی داشته باشد که در این صورت فرد همواره در ارتباط با همسرش به دنبال راحتی و امنیت است و تمایل دارد فعالیت های بین فردی بیشتری را با همسرش صورت دهد. بنابراین، می توان گفت الگوهای دلبستگی نه تنها در عشق، بلکه در تعاملات بین فردی زوجین نیز حاکم است.

صاحب نظران بسیاری مطرح کرده اند که دلبستگی ناایمن می تواند برای تبیین خیانت به کار رود و افراد دارای دلبستگی ایمن تمایلی کم تر به رابطه خیانت زناشویی دارند، زیرا آن ها در روابط زناشویی شان احساس راحتی و اطمینان دارند که این احساس به عنوان مانعی برای شروع روابط جنسی فرازناشویی عمل خواهد کرد (جینفریو، ۲۰۰۹). در واقع سبک های دلبستگی از جمله متغیرهایی است که نقش تنظیم کننده ای را در روابط عاشقانه و شاید مشکلات زناشویی ایجاد می کند (صدقی طارمی، ۱۳۸۳). در روابط زوجین اضطراب و اجتناب عامل تعیین کننده ای است: اضطراب از طردشدگی و اجتناب از خیانت. همواره اضطراب و اجتناب می تواند در روابط زوجین مؤثر بوده و نقش تعیین کننده ای در تفاهم



زنشویی و الگوهای ارتباطی ایفا کند. این اضطراب و اجتناب به‌عنوان مبنایی برای شکل‌گیری سبک‌های دل‌بستگی شناخته می‌شود که می‌تواند الگوهای ارتباطی بین زوجین را متأثر سازد. از این رو، بی‌دلیل نیست که محور اضطراب و اجتناب در زوجین با عدم تفاهم زنشویی و رضایت زنشویی آن‌ها مرتبط است (وزیری‌تبار، ۱۳۹۳). که این عدم تفاهم زنشویی و نارضایتی زنشویی نیز در پیش‌بینی روابط فرازنشویی می‌توانند نقش عمده‌ای ایفا نمایند.

بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم، می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای مورد مطالعه و متغیر روابط فرازنشویی در زنان همبستگی معنادار وجود دارد. در نتیجه، شواهد برای پذیرش فرضیه دوم کافی است. با مراجعه به آماره t و سطوح معناداری می‌توان قضاوت کرد که تنها دو عامل با وجدان بودن و سبک اضطرابی با متغیر روابط فرازنشویی همبستگی معنادار دارند. علامت ضرایب بتای به‌دست آمده نشان داد که متغیر با وجدان بودن با متغیر روابط فرازنشویی همبستگی مثبت و معنادار دارد. به عبارت دیگر، با افزایش در این مؤلفه نمره روابط فرازنشویی زوجین افزایش می‌یابد. در عین حال، همبستگی متغیر سبک اضطرابی با روابط فرازنشویی منفی و معنادار است. در راستای تأیید فرضیه فوق مبنی بر وجود رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دل‌بستگی با روابط فرازنشویی در زنان، یافته‌های جرأت‌پور (۱۳۹۴) نشان داد بین مؤلفه‌های ویژگی‌های شخصیت در زنان دارای خیانت زنشویی با زنان فاقد خیانت زنشویی تفاوت معنادار وجود دارد. عامری و همکارانش (۱۳۹۱) نشان داده است که زنان خیانت‌دیده (دادگاه) میزان نوروتیک بالاتر، زنان خیانت‌دیده (مراکز مشاوره) وجدان‌گرایی بالاتری نسبت به زنان عادی داشته‌اند. میزان اضطراب و اجتناب دل‌بستگی در زنان مراکز مشاوره و زنان دادگاه تفاوت معناداری نشان می‌دهد.

یافته حاصل از آزمون فرضیه سوم نشان داد بین متغیرهای مورد مطالعه و متغیر روابط فرازنشویی در مردان همبستگی معنادار وجود دارد. در نتیجه، شواهد برای پذیرش فرضیه سوم کافی است. با مراجعه به آماره t و سطوح معناداری می‌توان قضاوت کرد که تنها چهار متغیر روان‌رنجورخویی، با وجدان بودن، رضایت جنسی و سبک اضطرابی با متغیر روابط فرازنشویی همبستگی معنادار دارند. علامت ضرایب بتای به‌دست آمده نشان داد که متغیرهای روان‌رنجورخویی و با وجدان بودن با متغیر روابط فرازنشویی همبستگی مثبت و معنادار دارند. به عبارت دیگر، با افزایش در این مؤلفه‌ها نمره روابط فرازنشویی زوجین افزایش می‌یابد. در عین حال، همبستگی متغیرهای رضایت جنسی و سبک اضطرابی با روابط فرازنشویی منفی و معنادار است. این یافته با نتیجه پژوهش عامری و همکارانش (۱۳۹۱) مبنی بر تأثیر ابعاد شخصیت و سبک‌های دل‌بستگی در بی‌وفایی مردان در روابط زنشویی همخوانی دارد.

بر اساس پژوهش‌های صورت‌گرفته، بین روابط خارج از ازدواج و رضایت جنسی مردان رابطه وجود دارد؛ اما در زنان این رابطه وجود ندارد یا در مردان قوی‌تر است (کمپل، ۲۰۰۹). برای نمونه، بررسی‌های آلن و آتکینز (۲۰۰۵) نیز بر ازدواج و ویژگی‌های روابط زناشویی زمینه‌سازی‌وفایی تأکید می‌کند؛ مثل رضایت جنسی کم. در تبیین رابطه رضایت جنسی و روابط فرازناشویی می‌توان گفت رضایت جنسی، یکی از مهم‌ترین عواملی است که بر روابط زناشویی زوجین تأثیر می‌گذارد. همان‌طور که گلسر (۲۰۰۰) نیز معتقد است مهم‌ترین انگیزه زن و مرد متأهلی که به سوی روابط نامشروع کشیده می‌شود، تجربه مجدد صمیمیت فردی و جنسی است. از لحاظ لغوی واژه رضایت جنسی به احساس خوشایند فرد از نوع روابط جنسی اطلاق می‌شود. در بین نیازهای زیستی، غریزه جنسی، آمیختگی عمیقی با نیازهای روانی داشته به طوری که می‌توان تأثیر این خواسته را در بسیاری از ابعاد زندگی مشاهده کرد. این غریزه تأثیر غیرقابل انکاری در زندگی زناشویی، انسجام و پایداری آن دارد. این غریزه نقشی سازنده و بنیادین در سیر به سوی سلامت و تعادل روانی داراست. با داشتن این خصوصیات بارز و قابل توجه است که میل جنسی از سایر نیازهای زیستی فاصله گرفته و به صورت یک نیاز روحی و روانی درمی‌آید. سطوح بالایی از رضایت جنسی منجر به افزایش سازگاری زناشویی می‌شود (نیکولز، ۲۰۰۵) و متقابلاً کاهش این عامل می‌تواند در افزایش ناسازگاری و سوق دادن مردان به روابط فرازناشویی مؤثر باشد.

از آنجاکه نمونه مورد مطالعه از زنان و مردان خیانت‌دیده شهر تهران انتخاب شده‌اند، تفاوت‌های فرهنگی موجود تعمیم‌پذیری نتایج را محدود می‌کند. همچنین، در این پژوهش امکان کنترل متغیرهایی همچون سن، وضعیت اقتصادی و تحصیلات میسر نبود. علاوه بر این، به منظور بررسی دقیق‌تر پدیده فرازناشویی انجام پژوهش‌های با دربرگرفتن گروه‌های وسیع‌تر و در مناطق مختلف و در نظرگرفتن متغیرهای سن، وضعیت اقتصادی و تحصیلات و... توصیه می‌شود. در نهایت، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده نتایج چنین مطالعاتی به شکل کنترل‌شده‌تر زمینه‌های مشاوره‌های زوجی را غنی می‌سازد. چنانچه بدانیم ابعاد شخصیت، سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی متغیر پیش‌بین تأثیرگذاری در خیانت زناشویی است، می‌توان آن را پیش از ازدواج و حین زندگی مشترک، شناسایی و حوزه‌های تأثیرگذاری‌اش را تحت کنترل درآورد. با توجه به تائید رابطه ویژگی‌های شخصیتی و روابط فرازناشویی، به نظر می‌رسد تعیین نوع ویژگی‌های شخصیت هر یک از زوجین پیش از ازدواج بتواند به‌عنوان عاملی مؤثر در بهبود روابط زناشویی قلمداد شود، لذا افرادی که به دنبال طراحی و اجرای برنامه‌های پیشگیری‌محور در حوزه خانواده از جمله خیانت هستند، لازم است این عوامل را نیز در نظر بگیرند.



منابع فارسی

- ابراهیمی مقدم، حسین؛ پوری محمد، منیر. (۱۳۹۴). مقایسه تاب‌آوری و سبک‌های دلبستگی همسران خیانت‌دیده و همسران عادی شهر تهران. همایش‌ها و کنفرانس‌های حوزه روان‌شناسی و علوم اجتماعی. آتش‌روز، بهروز. (۱۳۸۶). پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی از طریق دلبستگی و صفات پنج‌گانه شخصیتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی. ۱۱-۱۴.
- اصغری نژاد، مهناز. دانش، عصمت. (۱۳۸۴). رابطه سبک‌های دلبستگی با میزان شادکامی و توافق در مسائل زناشویی در دانشجویان زن متأهل دانشگاه. تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۱۳(۳)، ۶۹-۹۰.
- بخشایش، علیرضا و مرتضوی، مهناز. (۱۳۸۸). رابطه رضایت جنسی، سلامت عمومی و رضایت زناشویی در زوجین. اصول بهداشت روانی، ۱۱(۳)، ۲۳۳-۲۳۸.
- پاکدامن، شهلا. (۱۳۸۰). بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی. رساله دکتری. دانشگاه تهران. جرأت‌پور، منا. (۱۳۹۴). مقایسه بین ویژگی‌های شخصیت در زنان دارای خیانت زناشویی با زنان فاقد خیانت زناشویی. نخستین کنگره بین‌المللی جامع روان‌شناسی ایران.
- حق‌شناس، حسن. (۱۳۷۸). هنجاریابی آزمون شخصیتی نئو، فرم تجدیدنظر شده. روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، ۴(۴)، ۳۸-۴۸.
- سامی، عباس؛ نظری، علی محمد؛ محسن‌زاده، فرشاد و طاهری، مهدی. (۱۳۹۴). بررسی مدل معادلات ساختاری پیمان‌شکنی زناشویی بر مبنای ویژگی‌های شخصیتی، رضایت زناشویی و سبک‌های دلبستگی. تحقیقات علوم رفتاری، ۱۳(۳)، ۳۸۷-۳۷۶.
- شاه‌سیاه، مرضیه؛ بهرامی، فاطمه؛ اعتمادی، عذرا و محبی، سیامک. (۱۳۸۹). تأثیر آموزش جنسی بر بهبود رضایت زناشویی زوجین شهر اصفهان. تحقیقات نظام سلامت، ۶(۴)، ۶۹۷-۶۹۰.
- شریف‌خطیبی، سهیلا. (۱۳۹۵). تعیین سهم الگوهای ارتباطی و رضایت‌مندی زناشویی در پیش‌بینی احتمال خیانت زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- شیردل، ملیحه. (۱۳۸۵). عوامل گرایش زنان و مردان متأهل به رابطه نامشروع جنسی. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۶(۲۲)، ۱۳۳-۱۴۸.
- صدقی طارمی، علیرضا. (۱۳۸۳). رابطه بین سبک‌های دلبستگی و انواع عشق در دانشجویان متأهل شهید بهشتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه شهید بهشتی.
- عامری، فریده؛ ترابیان، لیلا و خدابخش، روشنگر. (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیت و سبک دلبستگی همسران بی‌وفا، خیانت‌دیده و عادی. مطالعات روان‌شناختی، ۸(۳)، ۲۶-۹.

عبدی جلالده، محمدرضا؛ خوش‌کنش، ابوالقاسم؛ پورابراهیم، تقی و محمدی، روح‌اله. (۱۳۹۱). بررسی سبک دلبستگی و رضایت زناشویی افراد متأهل درگیر خیانت اینترنتی. *مطالعات روان‌شناختی*، ۸(۳)، ۱۳۵-۱۵۸.

مرامی، ساناز و خادمی، علی. (۱۳۹۲). پیش‌بینی خیانت زناشویی بر اساس مؤلفه‌های هوش هیجانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات آذربایجان.

وزیری‌تبار، هدیه. (۱۳۹۳). مقایسه سبک‌های دلبستگی و الگوهای ارتباطی در زوجین متقاضی طلاق و عادی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن.

References

- Abdi Jaladeh, A., Khoshkonesh, T., & Pourebrahim, R. (2011). Examination of attachment styles and marital satisfaction in internet infidelity married persons. *Quarterly Journal of Psychological Studies*, 8, 135-158. [In Persian].
- Allen, E. S. Atkins, D. C. (2005), The multidimensional and developmental nature of infidelity: Practical applications. *Journal of Clinical Psychology*, 61, 1371-1382.
- Amato, P. R. & Rogers, S. J. (1997), A longitudinal study of marital problems and subsequent divorce. *Journal of Marriage and The Family*, 59, 612-624.
- Ameri, F., Torabian, L., & Khodabakhsh, R. (2012). A comparative study of attachment dimensions and personality traits among unfaithful men and women who experienced infidelity and normal couple. *Quarterly Journal of Psychological Studies*, 8(3), 9-26. [In Persian].
- Asgharinejad, M., & Danesh, E. (2006). The relationship of attachment styles with happiness and agreeable in marital problems in married university students. *The Journal of News and Research of Counselling*, 13(3), 69-90. [In Persian].
- Atashroz, B. (2007). *The prediction of academic achievement upon attachment and personality big five*. MSc dissertation, Psychology and Educational Sciences, Shahid Beheshti University. [In Persian].
- Atkins, D. C., Baucom, D. H., & Jacobson, N. S. (2001). Understanding infidelity: Correlates in a national random sample. *American Psychological Association*, 15 (4), 735-749.
- Atkins, D. C., Yi, J., Baucom, D. H., & Christensen, A. (2005). *Infidelity in couples seeking marital therapy*. *Journal of Family Psychology*, 19, 470-473.
- Bakhshayesh, A. R., & Mortazavi, M. (2009). The relationship sexual satisfaction, mental health, and martial satisfaction in couples. *The Principles of Mental Health*, 11(3), 238-288. [In Persian].
- Bowlby, J. (1969). *A secure base: clinical applications of attachment theory*. New York: Basic Books.
- Brown, S. L., Sanchez, L. A., Nock, S. L., & Wright, J. D. (2006). Links between premarital cohabitation and subsequent marital quality, stability, and divorce:



- A comparison of covenant versus standard marriages. *Social Science Research*, 35(2), 454-470.
- Campbell, Amanda Marie M.A. (2009), How Selected Personality Factors Affect The Relationships Between Marital Satisfaction, Sexual Satisfaction, And Infidelity, *A Dissertation Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy*, Tech University.
- Cohen, A. B. (2005). The relation of attachment to infidelity in romantic relationship: an exploration of attachment style, perception of partner's attachment style, relationship satisfaction, relationship quality and gender differences in sexual behaviors. *Institute of advanced psychological studies*, Adelphy University
- Collins, N. L., & Feeney, B. C. (2004). Working Models of Attachment Shape Perceptions of Social Support: Evidence from Experimental and Observational Studies. *Journal of Personality and Social Psychology*, 87(3), 363-383.
- Collins, V.L. & Read, S. J. (1990). Adult attachment: Working models a relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58(4), 644- 663.
- Costa, P, T, Jr., & McCrae, R. R. (۱۹۸۹). *The NEO PI/ NEO FFI Manual supplement*. Odesa, FL: Psychological Assessment Resources.
- Costa, P. T. Jr., & McCrae, R. R. (۱۹۹۲). Normal personality assessment in clinical practice: The NEO Personality Inventory. *Psychological Assessment*, 45(13), 20-22.
- Davila, J., Bradbury, T. N., & Fincham, F. (1998). Negative affectivity as a mediator of the association between adult attachment and marital satisfaction. *Personal Relationships*, 5, 467.479.
- Druckerman, P. (2007). *Lust in translation*. United States: The Penguin Press.
- Ebrahimimoghadam, H., & Pourimohammad, M. (2016). The comparison of resiliency and attachment styles of infidelity spouse and normal spouses. *The conference on psychology and social sciences*. [In Persian].
- Feeney, J. (1999). Adult romantic attachment and couple relationships. In J. Cassidy P. Shaver (Eds.), *Handbook of Attachment and couple relationships* (pp.355-377). New York: Guilford Press.
- Fung SC, Wong CW, Tam SM. (2009). Familial and extramarital relations among truck drivers crossing the Hong Kong-China border. *Journal of Sex & Marital Therapy*; 35(3),239-44.
- Glasser W. (2000). *Counseling with choice theory: A New Reality Therapy*. New York Harper Collins Publisher.
- Haghshenas, H. (1999). Normalization of NEO Personality Test-Revised. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 4(4), 38-48. [In Persian].
- Hazan, C; Shaver, P. R. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 511-524.

- Jeanfreau, M, M. (2009). *A qualitative study investigating the decision – making process of women*, participation in marital infidelity. Kansas state university.
- Joratpour, M. (2014). The comparison of personality characteristics in infidelity women and normal women. *The first international comprehensive congress of psychology in Iran*. [In Persian].
- Liu, C. (2000), A theory of marital sexual life. *Journal of Marriage and the Family*, 62 (2), 363-374.
- Nichols, M. P. (2005). Concurrent discriminant validity of the Kansas marital satisfaction scale. *Journal of Marriage and the Family*, 48(2), 381-387.
- Pakdaman, Sh., (2001). *Examination of attachment and sociability in adolescence* (PhD dissertation). Tehran University, Tehran, Iran. [In Persian].
- Sami, A., Nazari, A. M., Mohsenzade, F., & Taheri, M. (2017). Examination structural equation marital infidelity upon personality characteristics, marital satisfaction, and attachment styles. *Behavioral Sciences Research*, (13)3, 376-387. [In Persian].
- Sedghi Taremi, A. R. (2004). *The relationship of attachment styles and love kinds in married students in Shahid Beheshti University*. MSc dissertation in general psychology, Shahid Beheshti University. [In Persian].
- Shahsiah, M., Bahrami, f., Etemadi, A., & Mohebi, S. (2010). The effect of sexual training on recovery marital satisfaction in Isfahan couples. *Health System Research*, 6(4), 690-697. [In Persian].
- Sharif Khatibi, S. (2017). *Determinants of relational patterns and marital satisfaction in prediction of infidelity*. MSc dissertation, Islamic Azad University, Roudehen Branch. [In Persian]
- .Shirdel, M. (2006). The factors of married woman and man tendency to infidelity. *The Quarterly of Social Wellbeing*, (6)22, 133-148. [In Persian].
- Snyder DK, Baucom DH, Gordon KC. (2008). An integrative approach to treating infidelity. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Family*; 16(4):300-307.
- Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2007). *Using Multivariate Statistics*. New-York: Harper and Row.
- Touesnard, L. (2009). *A study of the effects of infidelity on contemporary couples* (Master thesis). Waterloo, Ontario, Canada.
- Treas, J. Giesen, D. (2000), Sexual infidelity among married and cohabiting Americans, *Journal of Marriage and The Family*, 62, 48-60.
- Vaziritabar, H. (2014). *Comparison of attachment and relational patterns in divorced and normal couples* (Master Thesis). Islamic Azad University, Roudehen Branch. [In Persian].

**Original Research****The Prediction of Infidelity upon Personality Characteristics, Marital Satisfaction and Attachment Styles**Malek Mirhashemi¹Zahra Akbarimoqadam²**Abstract**

The purpose of the present study was to predict extra-marital relationships based on personality characteristics, sexual satisfaction, and attachment styles. The statistical population consisted of betrayed men and women in 2016-2017 in Tehran. We used accidental sampling method to collect 200 samples. The participants filled out marital infidelity questionnaire (Marami and Khademi, 2013), sexual satisfaction questionnaires (Hudson, Harrison, and Crosscup, 1981), NEO five-factor inventory, and adult attachment scale (Collins and Reid, 1990). The results of multiple regression test indicated that there was a significant relationship between the personality characteristics, sexual satisfaction, attachment styles and the extra-marital relationships variable. Among other variables, neuroticism and conscientiousness had a positive significant correlation with extra-marital relationships while there was a negative significant correlation between anxiety style and extra-marital relationships. In women, extra-marital relationships were predictable based on personality characteristics, sexual satisfaction, and attachment styles. Moreover, conscientiousness variable had a positive significant correlation with extra-marital relationships variable while anxiety style variable had a negative significant correlation with extra-marital relationships variable. About men, however, extra-marital relationships were predictable based on personality characteristics, sexual satisfaction, and attachment styles and the variables of neuroticism and conscientiousness have significant positive correlation with extra-marital relationships variable. Furthermore, sexual satisfaction and anxiety style showed a negative correlation with extra-marital relationships in men.

Keywords: personality characteristics, sexual satisfaction, attachment styles, extra-marital relationships.

¹.PhD, General Psychology, Associate professor in Department of Psychology, Azad Islamic University (Rudehen Unit), Rudehen, Iran (Corresponding Author) mirhashemi@riau.ac.ir

².MA, Psychology, Azad Islamic University (Kashan Unit), Kashan, Iran

Submit Date: 2018-06-13

Accept Date: 2020-12-19

DOI: 10.22051/JWFS.2020.20783.1780